

علل ناکارکردی پول کاغذی در اقتصاد و جامعه عصر ایلخانی

دکتر سیدهاشم آقاچری

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

سیدابوالفضل رضوی

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

رواج اسکناس برای اولین بار در تاریخ ایران در زمان حکومت ایلخانان صورت گرفت. طبقه حاکمه ایلخانی که در یک دوره با بحران شدید اقتصادی روبه‌رو شده بود درصد برآمد با انتشار پول کاغذی این بحران را مهار کند، اما از آن جهت که ظهور اسکناس برخاسته از واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیر متداوم ساختار جامعه نبود، به علاوه اقتباس ناقصی از نظام پولی رایج در چین منحوس می‌شد، نه تنها بحران را مهار نکرد بلکه دامنه آن را وسیعتر کرده، عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را نیز دربرگرفت. این گونه نوآوری اقتصادی که به بستر و فضای امنیتی مناسبی نیاز داشت در جامعه ایرانی امری تحمیلی محسوب می‌شد و پاسخگویی شرایط ناپایدار اقتصاد ایران، به طور عام و بحران اقتصادی این عهد، به طور خاص نبود. مقاومت مردم و اهل بازار در برابر این وضعیت نیز ضمن نشان دادن شدت بحران و ناکارآمدی این ابتکار، بر وجود چالش با مغولان بیگانه در عرصه‌های مختلف دلالت داشت. این مقاله در پی آن است با در نظر داشتن زمینه‌های موضوع و مقایسه میان شرایطی که موجب پذیرش اسکناس در چین و عدم پذیرش آن در ایران شده بود علل ناکامی و ناکارآمدی پول کاغذی در زمان ایلخانی گیخاتو (۹۴-۶۹۰ هـ.ق) را با نگاهی جامع بررسی کند.

واژگان کلیدی: چاو، اسکناس، نظام پولی عصر ایلخانی، ساخت سیاسی - اقتصادی عصر ایلخانی.

رواج پول کاغذی در واپسین سال‌های سده هفتم در ایران از این منظر جالب است که تجربه‌ای از این نوع در خاور میانه، جهان اسلام و حتی اروپای سابقه بوده است. تجربه بشری در زمینه استفاده از سکه به عنوان وسیله مبادله، واقعیتی دیرپا بود و از این منظر، ایرانیان نیز میراث‌خوار دیگران بودند، اما اسکناس یا پول کاغذی تا این زمان تنها در میان چینی‌ها سابقه داشت و پیردمان این سوی آسیا و دیگر نقاط جهان از آن بی‌خبر بودند. حتی در ادوار مترقی تاریخ ایران که شهرنشینی و تجارت رونق ویژه‌ای داشت نیز چنین پدیده‌ای سابقه ندارد و از همین رو است که ظهور اسکناس در دوره‌ای که اغلب محققان آن را دوران انحطاط اقتصادی می‌دانند قابل تأمل است.

معدود پژوهشهایی که در این زمینه به زبان فارسی وجود دارد اصل را بر توضیح چگونگی پیدایش و در بهترین حالت بررسی زمینه‌هایی که به ظهور اسکناس در عهد مغول انجامید گذاشته و کمتر با نگاه جامعه‌شناختی به این موضوع و به ویژه علل ناکامی آن پرداخته‌اند. (اقبال، ص ۲۱-۱۵؛ اصفهانیان، ص ۶-۱۰۹۹؛ پرگاری، ص ۵۴-۵۳؛ پورداد، ص ۴۵-۲۳۸؛ یان، ص ۳-۱۰۷۱) در اینجا سعی بر آن است که با در نظر داشتن زمینه‌های نشر اسکناس و سوابق موضوع، علل شکست این اقدام و به ویژه مقاومت مردم و بازاریان در برابر آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد. توجه به علل رونق و اعتبار پول کاغذی در چین و مقایسه آن با رواج اسکناس در ایران هم به اقتضای مطلب مطرح خواهد شد.

در این مقاله، ابتدا ساخت سیاسی - اقتصادی ایران عهد ایلخانی به همراه چگونگی نظام پولی آن دوره، و سپس اوضاع سیاسی - اقتصادی در زمانی که اسکناس رواج یافت تشریح خواهد شد و پس از آن، زمینه‌ها و چگونگی رواج پول کاغذی در ایران و سابقه این امر در چین مورد بررسی و در آخر علل ناکارآمدی آن در ایران بررسی خواهد شد.

ساخت سیاسی - اقتصادی و نظام پولی ایران در عهد ایلخانی

وضعیت اقتصادی ایران عهد ایلخانی در ادوار مختلف یکسان نیست. در این زمینه و به ویژه در خصوص دوره ایلخانان غیرمسلمان مطالب اندکی در منابع وجود دارد. همین اندک مطالب هم که در دوره ایلخانان مسلمان نوشته شده، بسیار مختصر و مبهم و با تفسیر یا توجیه تاریخ نگاران همراه است.

بدیهی است که در ابتدای شکل گیری حکومت ایلخانی که به دنبال دوران جدیدی از فتوحات و غنایم حاصل از آن به وجود آمد وضع اقتصادی حکومت بسامان تر از ادوار بعدی بوده است. تمرکز بخشیدن به وضعیت سیاسی کشور، دوران طولانی تر حکومت دو ایلخان اولیه، رونق تجاری مناطقی از قلمرو، و اندک توجهی به عمران و آبادانی که نمودهای آن در منابع مشاهده می شود، از نشانه های این امر است. این وضعیت را می توان در عهد هولاکو (۶۲۳-۶۵۴ هـ.ق)، بخش زیادی از حکومت اباقا (۸۰-۶۶۳ هـ.ق) و دوره حکومت ارغون (۹۰-۶۸۳ هـ.ق) مشاهده کرد. خواجه رشید، اباقار، مانند پدرش هولاکو، پادشاهی عادل دانسته که در ایام ایشان خلیق ایمن و آسوده بوده و عدل و سیاست به درستی اعمال می شده است. (همدانی، ص ۱۰۷۷) او در جای دیگری نیز دوران این دو ایلخان را از نظر تأمین معاش اردوها و دربار می ستاید. (همان ص ۱۰۹۰) و صاف هم عهد اباقارا دوره رونق سلطنت و عدل و انصاف دانسته و ضمن تأکید بر نقش خاندان چوینی، از میزان ثروت شمس الدین محمد جوینی یاد می کند که در سال ۶۶۹ هجری قمری (ده سال پس از قتل وی) ۳۶۰ تومان (۳۶۰۰۰۰۰ دینار) محاسبه شده؛ که خود بر وقوع این رونق در آن دوره دلالت دارد. (وصاف، ص ۵۴ و ص ۵۶) سلطنت ارغون نیز در سایه وزارت سعدالدوله یهود، از رونق و ثبات اقتصادی برخوردار بوده است. (کرمانی، ص ۱۰۸) هم وصاف و هم ناصرالدین کرمانی رونق خزانه و آبادانی این عهد را ستوده اند. حکومت سه ساله احمد تکودار (۸۳-۶۸۰ هـ.ق) - که به قول وصاف چون نزدیک بود احوال مملکت مختل شود با شتاب او را برگزیدند - به لحاظ اقتصادی نمود خاصی در منابع نیافته است. (وصاف، ص ۱۰۵) به نظر

می‌رسد ناکامی احمد در عرصه سیاست خارجی و سقوط زود هنگامش که مسلمان شدنش در آن بی‌تأثیر نبود، بر حقایق اقتصادی این عهد سرپوش گذاشته است. با این همه، چنین برمی‌آید که بی‌نظمی و آشفتگی مالی بیشتر در عهد جانشینان ارغون یعنی گیخاتو (۹۳-۶۹۰ هـ.ق) و بایدو (۹۴-۶۹۳ هـ.ق) به وقوع پیوسته است. منابع تاریخی که دوران ایلخانان قبلی و به ویژه ارغون را ستوده‌اند همگی عصر گیخاتو را بحرانی توصیف می‌کنند.

در زمینه چگونگی نظام پولی، بر سر این مسئله که پول رایج در عهد ایلخانان تک‌فلزی (= پول نقره) بوده، یا از طلا و نقره، اختلاف نظر هست (اسمیت، ص ۱۱۵-۱۰۸) اما باید مسلم آن باشد که پول رایج این عهد که عمده فعالیت‌های اقتصادی بر پایه آن تنظیم می‌شده، نقره بوده باشد. نه تنها در قلمرو ایلخانان بلکه در سراسر قلمرو مغولان - به استثنای چین - مسکوکات نقره نقش اصلی را در معاملات داشته است. (بارتولد، ص ۱۹۳) البته رواج عمومی نقره نباید آن چنان که برخی محققان پنداشته‌اند به معنی نبود مطلق مسکوکات طلا تلقی شود. (اسمیت، ص ۱۰۹-۱۰۸) گرچه منابع جغرافیایی - تاریخی این عهد اطلاعاتی در خصوص وجود منابع طلا نمی‌دهند و اطلاعاتشان ناقص است^۱، اشارات منابع تاریخی از وجود طلا و مسکوکات آن حکایت می‌کند. و صاف در جریان شرح چگونگی رواج اسکناس (چاؤ) جابه‌جا از وجود زر، پارچه‌های زریفت و صناعات و حرفی که بازر مرتبند سخن می‌گوید. (وصاف، ص ۷۳-۲۷۲) خواجه رشید نیز در شرح اصلاحات غازان و اختلافاتی که در نظام پولی وجود داشته، از لزوم یکنواخت کردن معیار و خالص گردانیدن سکه‌های طلا و همین‌طور عرضه مورد نیاز آن سخن گفته است. (همدانی، ص ۵۶-۱۰۵۴) وی بیان می‌کند که قبل از غازان بیشترین طلا در کار پارچه‌بافی و صناعات به کار می‌رفته و بخشی از آن هم از قلمرو خارج می‌شده است. سپس ادامه می‌دهد: «... این زمان در بازارها بر دست هر روستائی چندان زر سرخ می‌گردد که نهایت ندارد و تمامت معاملات بدان می‌کنند...». (همان، ص ۱۰۵۶) همین مورخ نه تنها از مسکوکات

زرین و رواج آن در عهد غازان سخن می‌گوید، از ضرب سکه‌های درشت صد مثقالی طلا برای بخشش به بزرگان یاد می‌کند که می‌توان آن را نوعی مدالیوم نام نهاد. (همان، ص ۵۷-۵۶). با وجود این، بر اساس اطلاعات همین مورخ حداقل تا قبل از عهد غازان طلا در بازار کمتر یافت می‌شده و وزن و عیار متفاوت داشته است. (همان، ص ۵۶-۵۵) و به نظر می‌رسد به همین سبب بوده که مردم و بازاریان ترجیح می‌دادند طلای موجود در صنایع و زیورات به کار برند و یا آن را احتکار کنند. بخشی از طلاها هم در قالب مصنوعات و یا مسکوکات پستی که در بازار ایران اقبالی نداشته به خارج، و از جمله به هند صادر می‌شده است.^۲

اما مسکوکات نقره که در این زمان، بر خلاف عرف همیشگی بازار اسلامی، با عنوان «دینار» هم به کار می‌رفته، نقش اصلی را در نظام پولی داشته است. احتمالاً از مسکوکات کوچک و کم‌ارزش‌تر با عنوان «درهم» و مسکوکات بزرگ با عنوان «دینار» یاد می‌شده است. (بارتولد، ص ۱۹۳) میزان وزن در کوچکی و بزرگی سکه‌ها حرف اول را می‌زده اما در عین حال عیار آن‌ها نیز مدنظر بوده است. سکه‌های یک درهمی نیم مثقال وزن داشته و نیم درهمی (= یک چهارم مثقال) نیز رایج بوده است. دینار نقره هم مساوی شش درهم بوده است. (اشپولر، ص ۳۰۵-۳۰۱؛ اسمیت، ص ۴۱-۱۳۹) رقم‌های درشت مالی را تومان (= یک کلمه مغولی) که ده هزار دینار - طلا یا نقره - ارزش داشت می‌نامیدند. تعیین نسبت میان ارزش طلا و نقره حتی در یک زمان مشخص از این دوره چندان امکان‌پذیر نیست. این امر حتی در مورد هر یک از این دو مسکوک و از جمله در مورد نقره که در معاملات نقش اصلی داشته نیز صدق می‌کند. بر اساس اطلاعات خواجه رشید، مسکوکات نقره نیز وضع خوشایندی نداشته است. تا قبل از غازان سکه واحدی که به نام پادشاه در سراسر قلمرو ضرب شود وجود نداشته و مسکوکات، چه در وزن و چه در عیار متفاوت بوده‌اند. وی که تلاش‌های ایلخانان قبلی را در این خصوص ناکام توصیف می‌کند، تبعات زیانبار این امر را نیز بر می‌شمرد. (همدانی، ص ۵۵-۵۴) گرچه برخی محققان کم‌شدن وزن مسکوکات نقره در

عهد مختلف دوره ایلخانی را سیاست پولی هوشیارانه آنان در جهت بالا بردن اعتبار طلا و جلوگیری از صدور آن می‌دانند (اسمیت، ص ۱۴۱)، برخی دیگر، و از جمله اسپولر، کاهش وزن سکه‌ها را که در اصل به معنای کم شدن عیار آن‌ها بود، نشان از بی‌فروغی نظام پولی می‌دانند! (اسپولر، ص ۳۰۵-۳۰۱) حقایق تاریخی هم نظر دسته اخیر را تأیید می‌کند؛ چرا که صرف نظر از بخشی از دوران حکومت غازان، تا اواخر عهد ایلخانی و آخر دوران سلطان ابوسعید (۳۶-۷۱۶ هـ.ق) نیز سکه‌ها همچنان کاهش وزن داشت. بدیهی است که اگر این سیاست هوشیارانه نمی‌بود بایستی تا این زمان به بار می‌نشست. خلاصه آنکه، حکام مغولی قبل از غازان به تنظیم و تثبیت نظام پولی توجه چندانی نداشته‌اند. بی‌نظمی و بی‌ثباتی نظام پولی به همراه عملکردهای غلط اقتصادی و بی‌اعتمادی عمومی ناشی از آن، وضعیت پولی و اقتصادی را چنان متزلزل کرد که ترفند اولیای امور را که بی‌توجه به واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی درصدد حل مشکلات با رواج اسکناس برآمدند نیز بی‌اثر کرد.

اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در عهد گیخاتو (۹۴-۶۹۰ هـ.ق)

گیخاتو (دومین پسر اباقا) در حالی به حکومت رسید که امرای بزرگ علی‌رغم آنکه از وی دعوت قبلی به عمل آورده بودند، در رأی خود متزلزل شدند و به حکومت او میل چندانی نداشتند. (وصاف، ص ۲۵۹) گیخاتو تا قبل از این ماجرا حاکم ممالک روم بود و به سبب این دوری، چندان نام و نشان خاصی برای خود حاصل بود. در دوره وی، وضعیت اقتصادی کشور که در عهد ارغون تا حدودی تزئیم یافته بود، رو به بحران گذاشت. شخصیت ضعیف و مشرف ایلخان، فساد اخلاقی، ولخرجتی‌های عظیم و بی‌دقتی در امور مالی، خودسری امراء، خوانین و شاهزادگان در امور مالی، بی‌کفایتی‌های صدرالدین وزیر و نیز ادعاهای سیاسی برخی شاهزادگان، همگی در نابسامانی اقتصاد کشور در این عهد مؤثر بوده است. عملکردهای غلط اقتصادی ایلخان از همان آغاز سلطنت و داد و دهش‌های بی‌اندازه او آغاز شد. به قول وصاف:

...خزانه بزرگ که با راقیت دما و اضاعت نفوس مالمال گشته بود از زر و جواهر و اجناس کفو اد ام موبسی فارغ گردانید... و فواخیر جواهرات... تمامت بر خواتین و بنات... قسمت فرمود و تقریر کرد که امثال این متاع لایق حال ایشان است تا خود را بدان آرایش دهند... (همان، ص ۲۶۴)

البته بذل و بخشش در هنگام جلوس شیوه همگنی حکام مغولی بود و در تحبیب قلوب امر لازمی محسوب می شد، اما گیخاتو آن را به افراط رسانید. وزارت و امارت وزیر، خواجه صدرالدین خالدی، همراه با اختیارات گسترده وی در امور لشگری و کشوری که برای اولین بار به یک ایرانی - تاجیک - تعلق می گرفت، به همراه ریخت و پاش های فراوان او در امور مالی نیز مزید بر علت شده بود. عملکردهای نابخردانه وزیر و سوء استفاده او از اختیارات وسیعش را تاریخ نگاران و به ویژه رشیدالدین فضل اله مورد نقد قرار داده، او را مقصر اصلی نابسامانی ها قلمداد کرده اند. (همدانی، ص ۸۳۴-۳۶؛ آقسرائی، ص ۲۳۴)؛ البته خواجه رشید در جایی نیز او را دارای گرایش های مزدکی معرفی کرده است. (همدانی، ص ۹۵۸) این در حالی است که بر پایه مطالب و صاف، خود صدرالدین مقصر این نابسامانی ها را شخص ایلخان می دانسته و نسبت به سلوک وی در مقایسه با ایلخانان قبلی منتقد بوده است. (وصاف، ص ۷۳-۲۷۲) به هر ترتیب، در این زمان به سبب خالی بودن خزانه و قرض پانصد تومانی (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دینار) صاحب دیوان، تأمین مخارج لشگری و کشوری امکان پذیر نبود و ضمن فساد روزافزون اقتصادی، نارضایتی لشگریان و سران دربار ایلخانی نیز تشدید می شده (همان، ص ۲۷۱؛ همدانی، ص ۸۳۰). و فساد اخلاقی ایلخان هم در این جهت به وخامت می افزوده است. (وصاف، ص ۷۸-۲۷۷؛ بویل، ص ۳۵۱) بیماری شایعی موسوم به «پوت» که در اغلب مناطق گوسفندان - یکی از منابع تأمین هزینه ها - را از بین برد، هزینه های روزافزون دستگاه ایلخانی به سبب ولخرجی، تحمل پرستی و خوشگذرانی ایلخان و کرم ذاتی صدرالدین وزیر، از دیاد مخارج غذا و مطبخ خواتین و شاهزادگان از چهل تومان (۴۰۰/۰۰۰ دینار) در عهد احمد و ارغون

به صد و شصت و پنج تومان (۱/۶۵۰/۰۰۰) در این زمان (وصاف، ص ۲۷۱ و ۲۶۴ و ۲۶۶)، نرمی و ملاطفت و به عبارتی ضعف شخصیتی ایلخان در امور مملکت (خواندمیر، ص ۳۶-۱۳۵)، مخالفت‌های سیاسی امرا و شاهزادگان با ایلخان و توجه آنان به سمت بایدو، وجود حریف قدرتمندی همچون غازان در خراسان (وصاف، ص ۷۸-۲۷۷)، عدم توانایی در تنظیم دخل و خرج و تأمین هزینه‌های دربار و سپاهیان (همدانی، ص ۱۰۸۳) از جمله مسایلی هستند که در نابسامانی اوضاع اقتصادی و سیاسی این عهد مهم بوده‌اند. در چنین شرایطی بود که با وجود آن که درآمد دولت حدود هزار و هشتصد تومان (۱۸/۰۰۰/۰۰۰ دینار) بود و تنها هفتصد تومان (۷/۰۰۰/۰۰۰ دینار) آن را هزینه‌های عادی تشکیل می‌داد، مابقی تکافوی احتیاجات دربار را نمی‌کرد. (وصاف، ص ۲۷۱) در چنین شرایطی بود که موضوع رواج پول کاغذی (= چاؤ) مطرح شد.

سابقه پول کاغذی

گرچه محققان در خصوص نحوه اختراع پول و سکه و چگونگی رواج و تحول آن اختلاف نظر دارند، در این خصوص که پول کاغذی یا به اصطلاح اسکناس چگونه در میان بشر رایج شده است نوعی وحدت نظر دارند. پول و سکه تاریخچه خاصی دارد اما اسکناس که لفظی روسی است و از اوایل عهد قاجار در زبان فارسی متداول شده، حداقل در بخش وسیعی از جهان پدیده‌ای نوظهور به شمار می‌رود. (طباطبایی، ص ۲۲-۲۰؛ پورداد، ص ۵۸-۲۵۳؛ قائم مقامی، ص ۵۸-۲۵۳؛ جنیدی، ص ۴۷-۴۵) بر پایه تحقیقات تاریخی، اولین بار پول کاغذی در میان چینی‌ها رایج شده است. چینی‌ها که در تاریخ به مخترعان کاغذ معروفند، ابتکار و اختراع پول کاغذی را نیز به خود اختصاص داده‌اند. (تاد، ص ۲۴۱؛ خطایی، ص ۲۲) اولین بار در تاریخ چین در زمان امپراتوری خاندان سویی (Sui) (۵۸۹-۶۱۸ م) پول کاغذی رواج یافت. در این زمان، پول به صورت تکه‌های چرمی و کاغذی به جریان افتاد. بعدها در زمان امپراتوری

خاندان سونگ (Sung) (۱۲۸۹ - ۹۶۰ م) هم استفاده از پول کاغذی متداول شد. (پورداود، ص ۲۴۴) چنین به نظر می‌رسد که پشتوانه اسکناس در این ادوار مسکوکات مسی بوده و دولت اعتبار آن را تضمین می‌کرده است. (جنیدی، ص ۴۵) در زمان سلسله کین (Chin) در شمال چین هم پول کاغذی رواج داشته و روبروک از قول یک راهب به آن اشاره کرده است. (بلانت، ص ۱۴۳) با وجود این، پس از فتح ختای و چین به دست مغول‌ها و در دوران امپراتوری مغول بود که پول کاغذی در این سرزمین رواج گسترده یافت. ظاهراً آشنایی مغولان با پول کاغذی به رهنمودی - لو - چو - تسای، مشاور چینی اوکتای قاآن (۳۹ - ۶۲۶ هـ ق) صورت گرفته است. بدین ترتیب در سال ۱۲۳۶ م / ۶۳۴ هـ ق دستور انتشار مقدار محدودی از آن صادر شده است. (ساندرز، ص ۲۴۳) به نظر می‌رسد که این اولین تجربه مغولان در ختای و قسمت‌هایی از چین که تا آن زمان فتح شده بود صورت گرفته است. اگر غیر از این بود، ویلیام روبروک که در عهد قاآنی گیوک (۴۸ - ۶۴۶ هـ ق) در مغولستان به سر می‌برد آن را می‌دید و به نقل قول از دیگری نیازی نبود. رواج گسترده پول کاغذی در چین و ختای در زمان قاآنی قویلی (۹۳ - ۶۵۹ هـ ق) صورت گرفت. و صاف ذکر می‌کند که قویلی پس از فتح چین ابتدا استعمال پول کاغذی را منع کرد اما پس از اندک زمانی دوباره آن را رایج نمود. (وصاف، ص ۲۲) البته وصاف از رواج همزمان پول کاغذی و مسکوک (=بالش) در چین آن دوره سخن می‌گوید. نقش وزرای مسلمان در اداره امور اقتصادی چین و ثبات اعتبار پول کاغذی مطلبی است که مورد توجه رنه گروسه قرار گرفته و جامع‌التواریخ نیز آن را تأیید می‌کند. (گروسه، ص ۴۹۰؛ همدانی، ص ۶۰ - ۶۵۰) پول کاغذی در چین چائو (Chao)، و چاو (Chau) یا تسان نام داشت و چنان که خواهیم دید در ایران با عنوان چاو معمول شد. (ساندرز، ص ۲۴۳؛ پورداود، ص ۲۴۱) مارکوپولو، سیاح و نیز یکی که سال‌های درازی در چین به سر برده، در سفرنامه‌اش اطلاعات بسیار دقیقی از چاو رایج در چین ارائه می‌دهد. توضیحات وی دقت در ساخت و نظارت بر رواج پول کاغذی و اطمینانی را که مردم نسبت به این پول داشته‌اند، نشان می‌دهد.

(پولو، ص ۱۴-۱۱۲) اطلاعات دقیق وی از چاو موجب شده عده‌ای رواج چاو در ایران را ملهم از تجربیات وی به هنگام سفرش به ایران در عهد گیکخاتو بدانند، امری که نه خود وی اشاره‌ای به آن دارد و نه منابع تاریخی آن را تأیید می‌کنند. ابن بطوطه، سیاح مسلمانی که در سال ۷۲۴ هـ ق در چین به سر می‌برد نیز اطلاعاتی راجع به رواج پول کاغذی ارائه می‌کند. (ابن بطوطه، ص ۹۲-۲۹۱) اطلاعات وی گریخته به وسعت مازکوپولو نیست، دقت خاصی دارد. رواج چاو در چین در قرون بعدی نیز ادامه داشته است. سیدعلی اکبر که در قرن نهم هجری به چین سفر کرده در مبحثی با عنوان «در بیان زر و نقره و پول و کاغذ به جای پول خرج کردن» از رواج چاو در چین سخن می‌گوید. (خطایی، ص ۱۵۷)

انتشار اسکناس در ایران

دستور استفاده از چاو در ایران در جمادئ الاول ۶۹۳ هـ ق پس از پیشنهاد صدرالدین زنجان‌ی و تأیید آن از طرف پولاد چینگسانگ، نماینده قآن در دستگاه ایلخانی، صادر شد. خواجه رشید در سخنانی دوپهلوی سخاوت گیکخاتو و در اصل بی‌قیدی او در امور مالی و ماجراجویی وزیر را در این خصوص مهم شمرده و آن را بدعت دانسته است. یرلیغ رواج چاو با وجود مخالفت برخی امرا در پیلسواز صادر شد و در روز جمعه ۲۷ شعبان، وزیر و دو تن از امرا برای اجرای فرمان به تبریز رفتند. آنان در ۱۹ رمضان به تبریز رسیدند و پس از ابلاغ فرمان و ترتیب مقدمات لازم، در روز شنبه ۱۹ شوال ۶۹۳ هـ ق در شهر تبریز چاو را رایج کردند. اجرای چاو همراه با زور شمشیر بود و هر کس آن را نمی‌پذیرفت به یاسا می‌رسید. (همدانی، ص ۸۳۵) اندیشه اصلی رواج چاو از آن عزالدین مظفر ابن محمد ابن عمید بود که و صاف با طعنه و کنایات قراوان از او یاد می‌کند. وی سمت مشاورت وزیر را برعهده داشته و به نظر می‌رسد بر اوضاع مالی کشور اشراف کامل داشته است. (وصاف، ص ۷۴-۲۷۱) وی پس از شرح مشکلات موجود و خطرات ناشی از آن در نزد وزیر تأکید می‌کند که «بر مثال بلاد قآن در بسینظ

ممالک ایلخان نیز چاو در عوض زر روان گردانند؛ و فایدهٔ رواج چاو را چنین برمی‌شمرد:

... ابواب معاملات بدان مفتوح گردد و مال باسیره با خزانه نماید و خسران و نقصان به ابواب اموال هیچ آفریده راه نیافته باشد. (وصاف، ص ۲۷۲)

وصاف پذیرش پیشنهاد وزیر از طرف ایلخان را ناشی از ظاهرینی و سطحی‌نگری او می‌داند. این مورخ که جامع‌ترین اطلاعات را در این خصوص می‌دهد، از اقداماتی که در جهت ترتیب مقدمات رواج چاو در سراسر قلمرو صورت گرفت خبر می‌دهد. عراق عرب و عجم، دیار بکر و رویعه، موصل و میافارقین، آذربایجان، خراسان، کرمان و شیراز از جمله مناطقی بودند که امیری بزرگ همراه با متصرفان و بیتکچیان و خزانه‌داران و دیگر عمله، چاونامه به دست، به آن جا اعزام شدند تا چاوخانه تأسیس کنند و به رواج چاو و تعویض آن با مسکوکات بپردازند. این مورخ از خرج مبالغی در این خصوص و حیرت و سردرگمی مردم در این ارتباط سخن می‌گوید. وی می‌نویسد: که صورت چاونامه‌ای که به شیراز آورده بودند بس مطول بود و در آن، پیرامون همهٔ مسائل شرح داده بودند (وصاف، ص ۲۷۲)؛ و هیئت و صورت ظاهری چاو را نیز چنین شرح می‌دهد:

پیرامون سطح کاغذ پاره مربع مستطیل چند کلمه به خط خطایی که محض خطا این بود نوشته و بر بالای آن از دو طرف لا اله الا الله محمد رسول الله سکه... و فروتر از آن ایرنجین تورچی^۳ تحریر کرده و در میانه دایره کشیده خارج از مرکز صواب و از نیم درهم تا ده درهم رقم زده و به شیوه مسطور در قلم آورده که پادشاه جهان سنه ثلث و تسعین و ستمائه این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید، تغییر و تبدیل‌کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانده و مال او را جهت دیوان بردارند... (همان، ص ۲۷۲)

اریاب حرف و صنعتی که با زر و نقره کار می‌کردند باید آن را رها کرده، زر و نقره را به چاوخانه تحویل می‌دادند و بنا به تشخیص حکام، مواجب سالیانه‌ای به صورت چاو دریافت می‌کردند. ساخت پارچه‌های زیباقت هم تنها برای دستگاه ایلخانی

امکان پذیر بود. و صاف که از ممنوعیت معامله با نقود سخن گفته، در جایی می نویسد که مقرر شده بود به تجار بحار ملک فارس از چاوخانه زر دهند و چاو آنان را با زر تعویض کنند؛ اما معلوم نیست که این حق به تجار دیگر مناطق نیز داده شده بود یا خیر. چاو کهنه را می توانستند در ازای ده درصد کارمزد با چاو نو معاوضه کنند. این مورخ همچنین از کم شدن کاغذ و ممنوعیت خرید و فروش آن بدون نظارت ارباب چاوخانه یاد می کند که احتمالاً علاوه بر استفاده از آن در تهیه چاو، تلاش در جهت جلوگیری از صدور چاو تقلبی هم مدنظر بوده است. همین طور می توان حدس زد که در تهیه چاو از کاغذ مخصوص استفاده نمی شده و الا و صاف از کمبود انواع کاغذ در شیراز سخن نمی گفت. (همان، ص ۲۷۴) و صاف به نکته مهمی نیز اشاره دارد و آن این است که اصل ابتکار را می پذیرد و آن را مثبت تلقی می کند؛ اما چون از فساد اوضاع و نیت منفی ناشی از آن خبر دارد به گونه دیگری نتیجه می گیرد. وی تأکید می کند که از «... این مقولات و وضع این توهمات نظر بر آکندن خزانه پادشاه و پراکندن اموال آن...» بوده است. (وصاف، ص ۲۷۳) هم و صاف و هم رشیدالدین از متوهم شدن مردم و به ویژه از مقاومت بازاریان در برابر این ابتکار که، برخلاف تبلیغات، به چاو نامبارک معروف شده و وزیر بانی آن به جای صدر جهان، صدر چاوی نامیده می شد، سخن می گویند. مقاومت بازاریان به قدری شدید بود که طی سه روز توری شدید بازار را فرا گرفت و انجام معاملات و رفت و آمد کاروانها مختل شد. به نظر می رسد رواج چاو تنها در تبریز و شیراز عملی شده و در هر دو جا هم با مقاومت شدید روبه رو شده است. (وصاف، ص ۷۵ - ۲۷۳؛ همدانی، ص ۳۶-۸۳۵) غازان دم و دستگاہ مربوط به صدور چاو را در قلمرو خود نپذیرفت و در عراق عرب، قبل از هر گونه اقدامی، دستور ابطال آن فرا رسید. (یان، ص ۵۶) آقسرای که زواج چاو را خدعه صدرالدین چاوی «... به جهت مستردات قروضات و مصارف اخراجات خویش...» می داند، بحران موجود و نتایج زیانبار آن را شدیدتر توصیف می کند. وی شعاع عملی این اقدام را سراسر قلمرو می داند و آن را بدعتی شوم می داند که زندگی اجتماعی و اقتصادی را

مختل نموده است و تجاره به سبب آن جلای وطن کرده و به سمت شام روی آورده‌اند. وی می‌نویسد: «... فی الجمله خللی بزرگ و وهن و فتوری عظیم در جهان خواست ظاهر شدن...» (آقسنرای، ص ۲۴۳) منابع دیگر همچون تاریخ جهان‌آرا (ص ۲۱۳)؛ منتخب‌التواریخ معینی (ص ۱۳۶)، تقویم‌التواریخ (ص ۱۲۵)، روضه‌الصفا (ص ۳۲-۹۳۱)، حبیب‌السیر (ص ۳۸-۱۳۷) و نساقم‌الاسحار (ص ۱۱۰) هم با شدت و ضعف، چگونگی وضع و نشر چاو را شرح داده‌اند. این که پول کاغذی چه مدت زمانی رایج بوده دقیقاً مشخص نیست. در تبریز که اوضاع بحرانی تر بود آغاز و انجام رواج اسکناس یک هفته بود. در اینجا رواج چاو به بحرانی سیاسی - اجتماعی انامید و در روز جمعه پس از اقامه نماز صورت شورش به خود گرفت. مردم وحشت‌زده و عصبانی واقعاً قصد قتل عزالدین مظفر و دیگر بانیان چاو را داشتند و تنها عقب‌نشینی وزیر و قول و تأکید قاضی القضاة (قطب جهان)، برادر وزیر، بر ابطال فرمان چاو، از ادامه بحران جلوگیری کرد. (همدانی، ص ۸۳۶) یان در ذیل تاریخ این عبری مدت زمان آغاز و انجام این اقدام را یک دوره دو ماهه دانسته است. (یان، ص ۱۰۲)

به هر ترتیب دستگاه ایلخانی و بانیان چاو که به تصور خویش درصدد اصلاح امور بودند، وقتی شدت مقاومت مردم اهل بازار و تبعات زیانبار آن همچون کاهش درآمدهای ناشی از تجارت را دیدند، عقب‌نشینی نمودند و سرانجام دستور رواج چاو را ابطال کردند. اکنون سؤال اساسی این است که اصولاً علت مقاومت مردم و بازاریان در برابر چاو چه بوده است.

علل مقاومت مردم و بازاریان در برابر رواج چاو

۱- بی‌سابقه بودن موضوع و تقلید ناقص از نظام پولی چین

منابع تاریخی از آشنایی ایرانیان با پول کاغذی تا قبل از این زمان اطلاعاتی به دست نمی‌دهند. با وجود روابط دیرپای ایران و چین و مهمتر از آن ارتباط گسترده دو کشور در عهد مغول، نشان صریحی از آشنایی ضمنی با این مقوله مشاهده نمی‌شود. مسبب

اصلی آن، عزالدین مظفر، نیز که فردی آشنا به امور مالی بود تقلید از چین را مطرح کرده است. (وصاف، ص ۲۰۷۲) از این رو، از همان ابتدا، پول کاغذی پدیدۀ بیگانه‌ای محسوب می‌شده است. این امر به همراه بیگانگی مغولان در جامعه ایرانی، به ویژه در عصری که هنوز مسلمان نشده بودند، واقعیت غیر قابل اغماضی بود. از همه مهمتر، ابتکار تقلیدی دستگاه ایلخانی این عیب بزرگ را در خود داشت که نمی‌توانست و یتا نمی‌خواست همانند آنچه در چین بود عمل کند. از این حیث، برخی از تفاوت‌های رواج اسکناس در چین و ایران را می‌توان چنین برشمرد:

الف. در چین پول کاغذی و مسکوک (= بالش) توأمان در جریان بود و این امر شک و تردید نسبت به عملکرد دولت را کم می‌کرد. (وصاف، ص ۲۲؛ ابن بطوطه، ص ۹۴ - ۲۹۱) اما در ایران رواج اسکناس به معنای ممنوعیت استفاده از پول نقد نبود (وصاف، ص ۲۷۲)؛

ب. در چین دقت و جامعیت بیشتر و نظارت مداوم‌تری در این جهت وجود داشت اما در ایران از همان آغاز بوی فساد و عدم نظارت دیوان از آن برمی‌آمد (وصاف، ص ۲۷۳؛ پولو، ص ۱۴-۱۱۲)؛

ج. در چین مردم می‌توانستند در صورت نیاز و برای کارهای ضروری طلا و نقره در اختیار داشته باشند و این امری بود که مانع رشد هنر و صنایع مستظرفه نمی‌شد اما در ایران انجام صناعات مرتبط با طلا و نقره ممنوع اعلام شده بود (وصاف، ص ۲۷۳)؛

د. در چین رواج اسکناس امری جا افتاده و دارای سابقه قبلی و از اعتبار و تضمین دولتی برخوردار بود اما در ایران رواج اسکناس بدون پشتوانه و برای پر کردن خزانه بود (وصاف، ص ۲۷۳)؛

ه. قویلی، حاکم مغولی چین که در زمان او اسکناس رواج گسترده‌ای داشت، تا حد ممکن خود و دستگاه حکومتی‌اش را با فرهنگ و تمدن چینی همراه کرد و از این حیث تعاملی اجتماعی به وجود آورد، اما در ایران هنوز دستگاه ایلخانی نامسلمان، با سنن فرهنگی - اجتماعی ایران بیگانه بود. این امر بی‌اعتمادی نسبت به اعمال حکومت را

افزایش می داد و عملکرد آن را با تردید مردم همراه می کرد. با این اوصاف، جنبه تقلیدی نشر اسکناس چندان در شکست آن نقش نداشت بلکه نوع تقلید و معایب دخیل در این تقلید بود که در این شکست نقش آفرین بود.

۲. بی اعتمادی جامعه نسبت به هیئت حاکمه

اعمال نوآوری های اقتصادی حتی در جهان امروز که ساختار زندگی جمعی تا حد زیادی قراردادی است نیز بدون فراهم بودن بسترهای لازم امکان پذیر نیست؛ لذا طبیعتاً در قرون وسطای مشرق زمین که مناسبات میان مردم و حکومت امری تحمیلی بود و ناامنی در عرصه های مختلف آن موج می زد انجام پذیری چنین اقداماتی مشکل تر بود. مردم ایران در آن زمان به مغولان غیرمسلمان در کل اعتماد نداشتند و شرایط بحرانی اقتصادی و خالی بودن خزانه و بی ثباتی نظام پولی نیز مزید بر علت شده بود؛ و لذا طبیعی هم بود که کاغذ پاره ای را در عوض مال نپذیرفتند. (وصاف، ص ۲۷۳؛ آقسرائی، ص ۲۳۴) ایرانیان رواج چاو را خدجه مغولان می دانستند و چون تجربه نوینی بود که از آن آگاه نبودند با بدگمانی بیشتری به آن می نگریستند.

۳. عدم رواج اسکناس در بستری طبیعی و فضای مناسب

ناپایداری شرایط اقتصادی در جامعه ایرانی و عدم ظهور این واقعه به عنوان نتیجه طبیعی واقعتهای اقتصادی، در بی سرانجامی این اقدام مؤثر بود. عموم منابع تأکید دارند که خالی بودن خزانه و وضع بحرانی اقتصاد باعث شد که مردم به این ابتکار یا ترفند روی آورند. (آقسرائی، ص ۲۳۴؛ وصاف، ص ۲۷۳؛ همدانی، ص ۳۶-۸۳۵) با در نظر داشتن شرایط متلون اقتصادی در ایران، تصوّر این که اگر رواج چاو به جای عهد بحرانی گیخاتو در عهد دیگری که اقتصاد هم از رونق برخوردار بود صورت می گرفت و با اقبال مواجه می شد تا حدی مشکل است. واقعیت آن است که جامعه محافظه کار ایران در قرون میانه نمی توانست ذهن خود را با چنین مقوله ای دمساز کند. تازه در خود چین نیز

با وجود سوابق دیرپای پول‌کاغذی، چاو فقط تا زمانی که اوضاع اقتصادی از ثبات برخوردار بود، اعتبار داشت؛ چنانچه ترزلن اعتبار چاو در اواخر عهد قویلیای، یعنی مقارن با ظهور چاو در ایران، و همین طور در عهد قاجاری تیمور (۷۰۶-۶۹۳ هـ.ق) از این واقعیت حکایت دارد. (پورداود، ص ۴۴-۲۴۳)

۴. تضمین نشدن اعتبار چاو از طرف حکومت

رواج اسکناس در ایران امری تحمیلی و یک سویه بود که تضمینی برای آن وجود نداشت. اصلاً موجودی مشکوکی در اختیار دولت نبود تا به عنوان پشتوانه چاو مطرح باشد. به نظر می‌رسد منابع خزانه‌داری پس از واگذاری چاو آن را نمی‌پذیرفتند. اگرچه در چاونامه‌ها قید شده بود که امکان تعویض چاوهای کهنه با چاو نو وجود دارد، هیچ یک از منابع از امکان تعویض چاو با طلا و نقره سخنی نگفته‌اند. (وصاف، ص ۷۳-۲۷۲؛ همدانی، ص ۳۶-۸۳۵) به جریان انداختن چاو، حکم رواج آن را نداشت بلکه بیشتر به صورت یک تحمیل بود؛ چنانچه مقاومت شدید مردم و بازاریان در برابر آن نیز از این امر حکایت دارد. در حالی که رواج اولین اسکناس در اروپای پس از انقلاب کبیر فرانسه به سبب متزلزل بودن پشتوانه مالی آن راه به جایی نبرد، طبیعی می‌نمود که در ایران مغول‌زده این عهد نیز به عنوان بدعتی شگرف و دور از ذهن راه به جایی نبرد.

۵. بروز اختلاف در عرصه صنعت، هنر و تجارت

گرچه شکل و هیئت چاو با ترکیبی از سنت‌های چینی و سنن ایرانی - اسلامی از یک منظر جالب بود و در نوع خود هنر محسوب می‌شد، رواج آن و ممنوعیت استفاده از طلا و نقره برای فعالیت‌های صنعتی و هنری امری غیر قابل تحمل بود. بر اساس دستور، هر حرفه و صنعتی که موجب مصرف زر و نقره می‌شد ممنوع اعلام شده بود. (وصاف، ص ۲۷۲) گرچه مقرر شده بود به صاحبان این صنایع بر اساس استحقاق و تشخیص

حکام مواجب سالیانه‌ای از چاو تعلق بگیرد، معلوم نبود این مقرری نامینون جبران سرمایه آنان است یا درآمد آنان؛ همین‌طور مشخص نبود که آیا این مقرری هزینه آنان را تأمین می‌کند یا خیر؛ و این در حالی بود که برای این نوع صنایعی که در این روند از رونق می‌افتاد هیچ فکری نشده بود؛ و لذا قشر وسیعی از افراد جامعه اعم از صنعتگران، صرافان و هنرمندان بیکار می‌شدند؛ و اعتبار صنعتی و هنری مملکت نیز زیر سؤال می‌رفت. در زمینه کاربرد چاو در امور تجاری هم فکر جدی اتخاذ نشده بود. و صاف تنها از پرداخت طلا و نقره در عوض چاو برای تجار بحار فارس و مسافران بلاد خارجی این خطه سخن می‌گوید. (وصاف، ص ۲۷۳) سرنوشت تجار ممالک دیگر در قلمرو وسیع ایلخانی که بخشی از درآمد کشور از تمغای حاصل از حرفه آنان به دست می‌آمد مبهم گذاشته شده بود. لحن کلام آقسرای که از روی آوردن گسترده تجار به شام و زیان سنگین ایشان و اهل حرف سخن می‌گوید، حاکی از آن است که در قبال گرفتن سرمایه، چاو بی‌ارزشی به آنان سپردند که هیچ‌کس حاضر به پذیرفتن آن نبود. (آقسرای، ص ۲۳۴) با این وصف، رکود تجارت و صنعت و زیان کلنی آن در جامعه نقش مهمی در ناکامی این اقدام داشته است. این در حالی است که رواج چاو به عنوان یک اقدام اقتصادی می‌بایست در خدمت تجارت و صنعت قرار می‌گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 آتال جامع علوم انسانی

۶. عدم اتفاق نظر دولتمردان برای رواج چاو

برخی امرا و بزرگان نشر آن را به صلاح می‌دانستند. از آن گذشته، در برخی نواحی چاو پذیرفته نشد و در نواحی دیگر اصلاً آن را به کار نگرفتند. به لحاظ اجتماعی هم مردم آن را نمی‌شناختند و مایه حیزت آنان شده بود.

نتیجه

رواج چاو به عنوان راه حلی برای مشکلات مالی حکومت ایلخانی نه تنها بحران‌های اقتصادی موجود را مهار نکرد، دامنه بحران را وسیعتر کرده، عرصه‌های سیاسی و

اجتماعی را نیز در بر گرفت. بی‌خبری یا بی‌توجهی باینان امر نسبت به واقعیت‌های اقتصادی مملکت و فاصله زیادی که میان مردم و حکومت وجود داشت، باعث شد که این اقدام تقلیدی نتیجه مثبتی در بر نداشته باشد و بر وخامت اوضاع بیفزاید. در ظاهر امر، از چاوی که در ساخت آن دقت زیادی شده بود و حتی ظاهر آن با اسکناس‌های امروزی قابل مقایسه بود بوی امید برمی‌خاست، اما مردم و بازاریان که به مغولان غیرمسلمان اعتمادی نداشتند در پشت این ظاهر شکیل و تقلید نابجا، نیرنگ و فریب اقتصادی می‌دیدند.

ناپایداری شرایط اقتصادی در جامعه ایران و اقداماتی که حاصل تأثیرگذاری متقابل ساخت سیاسی - اقتصادی بود و از نیازهای اجتماعی برنخاسته بود، در ناکامی این ابداع مؤثر بود است. تزلزل وضعیت اقتصادی این عهد، تحمیلی بودن ابتکار و چالش موجود در ساخت سیاسی کشور که امکان انجام نظام‌مند این اقدام را از آن می‌گرفت، و نیز ناامنی و بی‌ثباتی وضع موجود در عدم توفیق این امر نقش مهمی داشت. با وجود این، عناوین چاپ و چاپخانه که به احتمال زیاد از چاو و چاوخانه به جا مانده است، ضمن حکایت از شدت تأثیرگذاری این ابتکار، جالب بودن نفس عمل را نشان می‌دهد.

توضیحات

۱- از دو منبع مربوط به این زمان یعنی آثارالبلاد قزوینی و تزهت‌القلوب تنها دومی از وجود منابع طلا در بخش‌هایی از خراسان یاد می‌کند. (مستوفی، ص: ۲۰۱)

۲- مطالب خواجیه رشید خلاف نظر محققانی را که از صدور گسترده طلا به هند سخن می‌گویند ثابت می‌کند. به نظر می‌رسد این محققان صدور مصنوعاتی را که طلا در آن‌ها به کار می‌رفته، یا طلای صرف اشتباه گرفته‌اند. (یان، ص: ۱۰۹ و ۱۴۱)

۳- به معنای سنگ نفیس یا عسای قیمتی، لقبی بود که بخشیان مغول به گیخاتو داده بودند. (وصاف، ص: ۲۶۰)

(یان، ص: ۹۴)

منابع و مآخذ

- آقسرائی، محمود بن محمد (کریم). مسامره الاخبار و مسایره الاخبار. به اهتمام عثمان توران. آققره: چاپخانه انجمن ترک، ۱۹۴۳.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: آگه، ۱۳۷۶، ج ۶.
- پولو، مارکو. سفرنامه. ترجمه منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو. تهران: گویش، ۱۳۶۳.
- چلبی، مصطفی. تقویم الثواریخ. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی. حبیب‌السیر فی تاریخ افراد بشر. باهتمام محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳، ج ۲.
- خطایی، نیندعلی‌اکبر. خطای‌نامه. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، ج ۲.
- غفاری قزوینی. احمد. تاریخ جهان‌آرا. تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
- قزوینی، زکریا محمد بن محمود. آثارالبلاد و اخبارالعباد. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. تهران: مؤسسه علمی انیسه جوان، ۱۳۶۶.
- کرمانی، ناصرالدین منشی. نسائم الاسحار و لطائم الاخبار. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- مستوفی قزوینی، حمداله. زهده‌القلوب. تصحیح گئی لسترنج. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه. روضه‌الصفاء. تهذیب و تلخیص عباس زریاب ویی. تهران: علمی، ۱۳۷۵، ج ۲.
- نظری، معین‌الدین. منتخب الثواریخ معینی. تصحیح ژان اوبن. تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۳۶.
- وصاف، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی. تاریخ و صاف‌الحضرة در احوال سلاطین مغول. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریزی، ۱۳۳۸.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. جامع‌الثواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۶۲، ج ۲.
- شیورل، برتولد. تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ج ۳.
- بلانت، ویلفرد. جاده زرین سمرقند. ترجمه رضا رضایی. تهران: جان‌زاده، ۱۳۶۳.
- بارتولد، و. و. تاریخ ترکهای آسیای میانه. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس، ۱۳۷۶.
- بویل، جی. آو دیگران. تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. ترجمه حسن انوشه. تهران:

امیرکبیر، ۱۳۷۹، ج ۳.

پورداد، ابراهیم. هرمزنامه. تهران: نشر انجمن ایرانشناسی، ۱۳۳۱.

تاد، لوئیس پاول. سیر تکاملی تمدن. ترجمه هاشم رضی و مجید رضی. تهران: آسیا، ۱۳۴۲.

ترابی طباطبائی، سید جمال‌الدین. سکه‌های اسلامی در دوره ایلخانی و گورکانی. تبریز: مؤسسه گراور و چاپ شعاع، ۱۳۴۷.

جنیدی، فریدون. نامه فرهنگ ایران. تهران: نیشابور، ۱۳۶۴.

ساندرز، ج. ج. تاریخ فوجات مغول. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

گروسه، رنه. امپراطوری صحرائوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ج ۳.

استیت، جان ماسون. «نظام پولی دوره ایلخانان». تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول. ترجمه یعقوب آژند. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.

اقبال، عباس. «چاو، چاپ، اسکناس». مجله بهار (س ۲، ش ۸).

اصفهانیان، داود. «چاو نخستین پول کاغذی در ایران». مجله بررسی‌های تاریخی (س ۱۳، ش ۳).

پرگاری، صالح. «چاو نماد بحران در سیاست دینی ایلخانان». فصلنامه علمی پژوهش علوم انسانی دانشگاه الزهراء. (ص ۱۲، ش ۴۳).

فانم مقامی، عبدالوهاب. «پیدایش پول در ایران». مجله ارمنان، ش ۳۰.

موفر، مجید. «پول کاغذ». مجله مهر (س ۸، ش ۹ و ۱۰).

یان، کارل. «انتشار اسکناس در دوره ایلخانان». تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول. ترجمه یعقوب آژند. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.